



دوشنبه ۱۳ آبان ۱۳۹۸
 وطن امروز | شماره ۲۷۸۳

[فرهنگ و هنر]

سینما

«منطقه پرواز ممنوع» کی اکران می‌شود؟



سختگوی شورای صنفی نمایش از اکران‌های جدید سینمایی از پنجشنبه ۱۵ آبان‌ماه خبر داد. به گزارش تسنیم، غلامرضا فرجی خبر داد که فیلم سینمایی «چشم و گوش‌بسته» به کارگردانی «فرزاد مؤتمن» در گروه باغ کتاب به نمایش درمی‌آید و همچنین «منطقه پرواز ممنوع» به کارگردانی «امیر داسارگر» از پانزدهم آبان‌ماه در گروه آزاد و از ۲۲ آبان‌ماه در گروه استقلال اکران می‌شود. در تازه‌ترین جلسه این شورا همچنین مقرر شد فیلم سینمایی «سمفونی نهم» به کارگردانی «محمدرضا هنرمند» از پانزدهم آبان‌ماه در گروه فرهنگ به نمایش دربیاید. از ۱۵ آبان‌ماه فیلم سینمایی «تورنادو» به کارگردانی «سیدجواد هاشمی» در گروه آزاد و سپس انیمیشن «بنیامین» در همین تاریخ در سرگروه زندگی به نمایش در می‌آید.

■ ■ ■

آغاز فیلمبرداری «کارو»

با نقش آفرینی مربلا زارعی

فیلم سینمایی «کارو» به کارگردانی احمد مرادپور و تهیه‌کنندگی حسین صابری و نویسندگی فهیمه سلیمانی در شهرستان خلخال جلوی دوربین رفت. به گزارش «وطن‌امروز»، این فیلم محوریتی زنانه دارد و تاکنون نخستین فیلم در سالل ۱۳۹۸ است که با محوریت بازیگر زن تولید می‌شود. مربلا زارعی، پیمان قدیمی و علی پاینده از جمله بازیگران فیلم سینمایی «کارو» هستند. این‌فیلم که تازه‌ترین اثر سازمان هنری- رسانه‌ای اوج و اولین محصول «مرکز فیلم و سریال عصر» است، در سی‌وهشتمین جشنواره فیلم فجر رونمایی می‌شود.

کتاب

نویسنده کتاب «صدر روسی»:

حتی خانواده بعضی رزمندگان از رشادت‌های‌شان بی‌خبرند

نشست آشنایی با راوی و نویسنده کتاب «صد روسی» عبدالعلی یزدانی‌پار و میثم رشیدی‌مهرآبادی، عصر شنبه ۱۱ آبان در فروشگاه کتاب به‌نشر تهران بر گزار شد. به گزارش «وطن‌امروز»، رشیدی مهرآبادی، نویسنده کتاب در بخشی از این نشست درباره مظلومیت شهدای انقلاب و جنگ تحمیلی گفت: من در این کتاب و چند کتاب قبل و بعدم سراغ رزمندگانی رفتم که متأسفانه حتی خانواده‌های‌شان با برخی رشادت‌ها و شجاعت‌های‌شان ناشنا بودند. برای من هیچ لذتی بالاتر از این نیست که بعد از چاپ کتابم، همسر و فرزند و برادر و همسایه و همه کسانی که با جناب یزدانپار حشر و نشر دارند، قدر او را بیشتر بدانند و از دریای تجربیاتش بیشتر بهره ببرند. در این مراسم که با حضور مخاطبان کتاب و همچنین راوی و جمعی از همزمان وی بر گزار شد، عبدالعلی یزدانپار به بیان خاطراتی درباره نحوه شکل‌گیری کتاب پرداخت. این‌دیدار با رونمایی و امضای کتاب توسط راوی و نویسنده به پایان رسید.

برگزاری نشست نقد و بررسی کتاب «لنز بازی»

نشست نقد و بررسی کتاب لنزبازی روز سه‌شنبه ۱۴ آبان‌ماه ساعت ۱۲:۳۰ در سالن شهید جان‌بزرگی پردیس هنرهای کاربردی دانشگاه هنر برگزار خواهد شد. به گزارش «وطن امروز»، در این نشست که توسط انتشارات ساقی و با همکاری انجمن علمی دانشگاه هنر برگزار خواهد شد داود مرادیان نویسنده کتاب عباس عرب‌زاده عکاس و مدرس دانشگاه، مرتضی جانپخش فیلمبردار و مدرس دانشگاه حضور خواهند داشت و اجرای برنامه بر عهده مجید دهقان فیلمبردار و از مدرسان دانشگاه خواهد بود.

لنزبازی کتابی به قلم داود مرادیان است که بر بررسی تاثیر لنز در سینما و عکاسی از پایه تا آنالوژیک و دکوپاژ می‌پردازد و در سالل ۹۷ توسط انتشارات ساقی چاپ و راهی بازار نشر شد.

سینمای جهان

اعتراض به نحوه‌اکران «مرد ایرلندی» اسکور سیزی

رئیس انجمن سینماداران آمریکا با اعتراض نسبت به ارائه فیلم «مرد ایرلندی» توسط نتفلیکس، آن را شرم‌آور خواند. به گزارش ایسنا به نقل از ورایتی، «جان فیتیان» رئیس انجمن سینماداران آمریکا در واکنش به نگرانی‌ای که سرویس نمایش فیلم آن‌لاین نتفلیکس برای صنعت سینما ایجاد کرده است، از این کمپانی آمریکایی به دلیل نحوه اکران فیلم «مرد ایرلندی» ساخته جدید «مارتین اسکورسیزی» بدش انتقاد کرد. رئیس انجمن سینماداران آمریکا با انتقاد از شرایط موجود، از اینکه سینماداران و نتفلیکس نتوانستند بر سر راهی برای افزایش سینماهای «مرد ایرلندی» به توافق برسند ابراز ناامیدی کرد و آن را شرم‌آور خواند. این یک ناامیدی بزرگ است.

اسکورسیزی یک کارگردان مهم و یک سینمادوست است که فیلم‌های مهم و متنوعی برای سینما ساخته و حالا فیلم «مرد ایرلندی» در یک‌دهم تعداد سالن‌هایی که باید نمایش داده می‌شد اکران شده است.

حضرت علی علیه‌السلام:

اندیشیدن و فیهمندن سودمندتر است از تکرار بسیار و درس گرفتن

روزنامه سیاسی ، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی

صاحب‌امتیاز: مهرداد بذرباش
مدیرمسئول: محمد آخوندی
سر‌دبیر: سید عابدین نورالدینی

نشانی: خیابان انقلاب اسلامی، بین حافظ و خیابان ولیعصر (عج) کوچه سعید، پلاک ۹
روابط عمومی: ۶۶۴۱۲۷۸۲
تجربیه: ۶۶۴۱۲۷۸۲
تایر: ۶۶۴۱۴۱۳۷
ایم‌اچ: ۶۱۰۸۶۱۶۲
پایمک: ۱۰۰۰۲۳۲۱
پست الکترونیک: info@vatanemroz.ir
چاپ: موسسه چاپ‌م‌م‌ پرتو برنا



پرونده «وطن امروز» برای سریال ضداستعماری «گیله‌وا»

عشق سال‌های قحطی

پخش سریال‌های تاریخی به دلیل سختی‌های تولید، فرآیند طولانی‌مدت ضبط و رسیدن آن به پخش و همچنین هزینه‌های بالای تولید این قبیل آثار، چندی است در تلویزیون کمتر توجه قرار می‌گیرد. مجموعه تلویزیونی «گیله‌وا» که پس از چندبار جایه‌جایی هم‌زمان با هفته استکبارستیزی روی آنتن شبکه سوم سیما رفته، یکی از تازه‌ترین تولیدات تاریخی تلویزیون است. به همین بهانه در پرونده‌ای به بررسی ابعاد فنی و تاریخی این مجموعه در گفت‌وگو با کارگردان آن و یک کارشناس تاریخ پرداختیم. این پرونده با نگاهی بر برخی و جوه فنی و محتوایی این سریال به پایان می‌رسد.

گفت‌وگوی «وطن امروز» بااردلان عاشوری، کارگردان سریال «گیله‌وا»

کتابِ تاریخ امروز، سینماست

احسان سالمی: «گیله‌وا» اولین‌ساخته‌داستانی‌اردلان عاشوری است. مینی‌سریالی ضداستعماری که بالاخره پس از مدت‌ها تغییر زمان پخش، در جدول پخش شبکه‌سوم‌سیماقرار گرفت و این شب‌ها از این شبکه روی آنتن می‌رود. قصه این سریال به قیام میرزا کوچک‌خان‌جنگلی گره خورده و روایتگر بخشی از اتفاقات تاریخ معاصر کشورمان است. در ادامه گفت‌وگوی «وطن امروز» با کارگردان جوان این مجموعه را می‌خوانید. ***

■ **«گیله‌وا» اولین اثر داستانی اردلان عاشوری است؛ چه شد که شما به این نتیجه رسیدید برای کار اول سراغ این سوزه تاریخی بروید؟**

من سالل ۱۳۹۰ کتابی به نام «قحطی بزرگ» اثر آقای محمدقلی مجد را خواندم که در آن تصویری بدش هولناک از قحطی بزرگ که عامل اصلی آن انگلیس‌ها بودند، ارائه شده بود؛ تصویری که بدش تکان‌دهنده بود و من همان موقع تصمیم گرفتم کاری در این زمینه انجام بدهم و تقریباً بعد از مدت اندکی نگارش سریالل «گیله‌وا» را شروع کردم و حدود ۳ سال مرحله تحقیقات و نگارش این پروژه طول کشید و بعد از آن هم وارد مرحله تولید آن شدم. در واقع آن کتاب و سوزه مهم و کمتر پرداخته شده «قحطی بزرگ» انگیزه‌ای برای ساخت این اثر شد. ■ **قصه «گیله‌وا» یک قصه غیرشهری است و پرداختن به آن در فضای سینما و تلویزیون، کار عموماً آثاری آبارتمانی در آن تولید می‌شود، کاری سخت و پر از ریسک است. کمی از سختی‌های ورود به این فضا به عنوان یک فیلمساز کار اولی‌مان بگویید.** کار غیرشهری سختی‌های خاص خود را دارد؛ البته زمانی که من تصمیم به ساخت این پروژه گرفتم، با توجه به اینکه سال‌ها سابقه مستندسازی داشتم، برای ورود به این کار آماده بودم. نکته دیگر آن است که چند سال است که سریال‌های آبارتمانی دیگر آن جذابیت و مخاطب سابق را ندارد و من هم برای ورود به این فضا راه دیگری در نظر می‌گیرم. منم با یک قصه جدید که فضایی تازه دارد، کارم را آغاز کنم اما همچنان نسبت به پروژه‌های غیرآبارتمانی و تاریخی به واسطه سختی‌های آن و هزینه‌های بالایش برای ورود ترس وجود دارد.

■ **سریال شما به لحاظ بصری اثری بدشندت جذاب است؛ این جذابیت بصری پیشتر ناشی از لوکیشن و محیط تولید اثر است یا اینکه شما به عنوان فیلمساز سعی داشتید از این جذابیت‌های بصری برای رنگ و لعاب دادن به فضای کلی اثر استفاده کنید؟**

رسیدن به این جذابیت بصری که شما به آن اشاره کردید، صرفاً به واسطه محیط حاصل نمی‌شود، بلکه نیازمند تمهیداتی است که بتوان از طریق آن به این فضا رسید. ما سعی کردیم لوکیشن‌ها یکی از شخصیت‌های کار ما باشد و من اصرار داشتم لوکیشن‌ها هویت داشته باشد و بازیگران در این فضای دارای هویت بازی خود را ارائه کنند تا از ظرفیت‌های بصری این فضا استفاده کنیم. ■ **پرداختن به تاریخ معاصر آن هم مقطع حساسی مثل ماجرای «قحطی بزرگ» با وجود جایگاه مهمی که در تاریخ ایران دارد، کمتر مورد توجه فیلمسازان قرار می‌گیرد. به‌نظر می‌رسد همیشه ترسی برای ورود به این قبیل سوزه‌ها وجود دارد؛ اردلان عاشوری دلیل این ترس را چه می‌داند؟**

به نظر من در ارتباط با سوالی که پرسیدید باید میان سینما و تلویزیون تمایز قائل شد، یعنی به نظر می‌آید هر کار تاریخی‌ای

که برای سینما تولید می‌شود، شکست می‌خورد و نمونه‌های موفق بسیار کمی در این حوزه داریم. نمی‌دانم دلیل آن چیست؛ شاید ناآفته و سلیقه مخاطب سینما به این آثار گرایش ندارد، شاید سیاست‌گذاری‌ها مبنی بر حمایت از این آثار نیست و من نمی‌دانم دلیل اصلی آن دقیقاً چیست ولی در ارتباط با آثار تلویزیونی باید بگویم اتفاقات مخاطبان تلویزیون بدش به آثار تاریخی بویژه آنها که درباره تاریخ معاصر است، علاقه دارد. یعنی شما می‌توانید ببینید که خیلی از آثار برمخاطب و ماندگار تلویزیون‌ما، سریال‌های تاریخی است. حتی بسیاری از داستان‌های امروزی را هم دوست دارند در زمینه تاریخی ببینند، چون می‌توانند در کنار دیدن داستان، تصویری کلی از تاریخ ایران را درک کنند. اینکه در تلویزیون کمتر به آن پرداخته می‌شود، بیشتر به دلیل هزینه بالای تولید این آثار است. البته به طور کلی اتفاقات تاریخی برای آنکه بتوانند در نظر مخاطب بویژه نسل جوان جذاب باشد، باید درازمایند؛ شوه، چرا که جوان‌ها این روزها دیگر تاریخ را معمولاً از طریق همین فیلم و سریال‌ها دنبال می‌کنند و کمتر برای دانستن تاریخ به کتاب رجوع می‌کنند. در واقع فیلم‌ها و سریال‌ها کتاب‌های امروزی هستند و متأسفانه این حوادث تاریخی معمولاً به شکل غیرجذاب و بدی روایت شده که نتیجه آن عدم توجه مخاطب به برخی از این آثار شده است اما من سعی کرده‌ام این اطلاعات تاریخی را به شکلی جذاب‌تر برای مخاطبان بویژه مخاطب جوان روایت کنم؛ مخصوصاً موضوع دخالت بیگانگان در اتفاقات مهم تاریخ معاصر کشورمان و این موضوع کاملاً در «گیله‌وا» دیده می‌شود. جالب است که برای‌تان بگویم مثلاً هنوز که هنوز است اسناد دخالت‌های انگلیس در زمان جنگ اول جهانی در ایران و لطماتی که به ساختار سیاسی و اجتماعی ایران زدند، از سوی انگلیس‌ها سانسور می‌شود و این نکاتی است که باید برای نسل جوان بازگو شود.

■ **قصه سریال شما تا چه اندازه منطبق بر تاریخ است و چه میزان از آن را زاییده فکر و خیال نویسنده؟** شخصیت‌های سریال جز میرزا کوچک‌خان و یکی ۲ نفر دیگر را ما خلق کردیم و واقعی نیستند اما اتفاقات اصلی که در سریال نمایش داده می‌شود همه منطبق بر تاریخ است. کاملاً سعی شده نمایش درستی از آن دوره و حوادث آن ارائه شود و بعضی اسنادید تاریخ که کار را پیش از پخش آن دیده‌اند، بر این نکته که سریال با حوادث تاریخی منطبق بوده است، صحه گذاشتند.

■ **«گیله‌وا» قرار بود در کنار نسخه سریالی، نسخه سینمایی نیز داشته باشد؛ وضعیت آن نسخه مشخص شده است یا اصلاً تولید آن متغنی شده است؟** از ابتدا ما در نظر داشتیم نسخه سینمایی در کنار نسخه سریالی برای «گیله‌وا» تولید کنیم و مدتی هم روی نسخه سینمایی آن کار کردیم ولی به دلایل مختلف به نتیجه نرسید و ماجرای عدم استقبال از فیلم‌های تاریخی در سینما باعث شد تولید نسخه سینمایی «گیله‌وا» متغنی شود و تصمیم به پخش نسخه سریالی آن گرفتیم.

■ **این روزها کار دیگری را در دست تولید دارید؟** بله! درگیر پروژه‌ای هستم. قصه‌ای در ارتباط با روز اول جنگ در سرپل‌ذهاب و با محوریت شهید شبرودی نوشتم که این روزها به دنبال تهیه‌کننده و تولید آن هستم.



مرتضی بیات: وقتی از تاریخ معاصر ایران صحبت می‌کنیم، ۲ حادثه بزرگ و ویران‌کننده وجود دارد: جنگ‌های اول و دوم جهانی، ایرانیانی را درگیر کرد که تمایلی به حضور در این نزاع نداشتند. بخشی از حوادثی که زمان جنگ اول جهانی، نیروهای بیگانه در ایران رقم زدند و به قحطی بزرگ و مرگ و میر گسترده ایرانیان منجر شد، در سریالل «گیله‌وا» روایت شده است. موسی حقانی، استاد دانشگاه و معاون پژوهشی موسسه مطالعات تاریخ ایران که تالیفات تاریخی متعددی دارد، در گفت‌وگو پیرامون سریال گیله‌وا، جزئیات بیشتری درباره این حادثه تلخ بیان کرده است. متن این گفت‌وگو را در زیر می‌خوانید.

■ **آقای حقانی قصه سریال «گیله‌وا» از قحطی تهران شروع می‌شود. اسناد تاریخی و اطلاعاتی درباره این رویداد مهم تاریخ معاصر وجود دارد که مهم‌ترین بخش این اسناد نشان می‌دهد خارجی‌ها در قحطی دست داشته‌اند.**

قحطی‌ای که اواخر جنگ جهانی در ایران به وجود آمد، به دلیل دخالت بیگانگان تشدید شد. آنها ایران را اشغال کرده بودند و برنامه‌های شومی برای این سرزمین و مردمش داشتند. در پایان جنگ اول جهانی، بر اساس قراردادی که در ۱۹۱۵ بین روسیه و انگلستان بسته شده بود، قرار بود ایرانی وجود نداشته باشد. هر دو کشور از زمان قاجار روابط پرفراز و نشیبی با هم و با دولت ایران داشتند. گاهی با هم دوست

بودند و گاهی دشمن و در هر حالتی برای چپاول ایران نقشه می‌کشیدند. ایران قربانی عدلوت یا دوستی آنها بود. انقلاب ۱۹۱۷ که در روسیه اتفاق افتاد و نظام کمونیستی بر سر کار آمد، روسیه را مشغول ماجراهای داخلی کرد اما در این دوره منطقه کاملاً تحت تسلط انگلستان قرار می‌گیرد، ایران هم از این قاعده مستثنا نیست.

■ **پس انگلستان چگونه‌تاز چپاول ایران می‌شود؟** بله! چنل اسل انگلستان بدون رقیب به تاراج ایران مشغول می‌شود. طرح مستعمره کردن ایران هم از همان روزها در ذهن‌شان تقویت می‌شود. انگلیسی‌ها چون تصور می‌کردند قرار نیست دیگر ایران وجود داشته باشد، زمان جنگ جهانی بی‌محلی‌ا وارد ایران شدند. نیروهای اشغالگر وارد هر کشوری می‌شدند معمولاً با خود همراه اسلحه و تجهیزات، آذوقه هم می‌آوردند اما انگلیسی‌ها کشتی‌های خود را در هندوستان پر از نیرو کردند و بدون آذوقه یا به خاک ایران گذاشتند. ایران مشکل خشکسالی و کمبود موادغذایی داشت که حضور نیروهای انگلیسی، عثمانی، هندی و روس مشکلات ۲ را برابر کرد. آنها آذوقه‌شان را از هر آنچه در ایران وجود داشت تأمین می‌کردند. بخش‌هایی از آذوقه را می‌خریدند و به روسیه یا هند می‌بردند. این رفتارها وضعیت معیشتی مردم را سخت‌تر از آنچه بود می‌کرد. جامعه درگیر احتکار، فقر و شورشختی شده بود و گرسنگی، جسم ایرانی را تحیف کرد. انواع و اقسام بیماری‌ها در جامعه شیوع پیدا کرد و تلفات وحشتناکی داد. ایرانیان هیچ نقشی در جنگ نداشتند اما از ضررهای آن در امان نماندند و قربانی شدند. انگلیس‌ها و دوست داشتند ایران، این سرزمین بزرگ با کمترین میزان جمعیت در اختیارشان قرار بگیرد، پس مرگ‌ومیر میلیون‌ها

نگاهی به مینی‌سریال «گیله‌وا»

قاب‌های زیبا برای روایت تاریخ



نظامی و شبه‌نظامی و تروریست‌ها حتی به مرزهای کشور نزدیک شوند.

آنچه سریالل «گیله‌وا» را فارغ از قصه جذابش دیدنی می‌کند، روایت آن در طبیعت زیبای گیلان است. لوکیشن‌ها خوب انتخاب شده‌اند و سریال پر است از قاب‌های چشم‌نواز و زیبا. در ساخت آثار تاریخی، گروه‌های فیلم و سریال‌سازی همواره با مشکل یافتن لوکیشن‌روبرو هستند. مادر کشورمان استودیوهای فیلمسازی نداریم و باید برای ساخت آثار تاریخی یا هنرینهای هفتگت برای ساخت دکور صرف‌شود یا گروه جایی را پیدا کنند و بتوانند با بازسازی به لوکیشن مورد نظرشان برسند. در «گیله‌وا» از نادر خانه‌های قدیمی که شبیه به خانه‌های روستایی در ۱۰۰ سال پیش هستند استفاده شده و آنها با بازسازی شبیه به خانه‌های روستایی گیایلی شده‌اند.

ایرانی به نفع آنها بود.

■ **همه مناطق ایران درگیر این ماجرا بود؟**

تمام کشور درگیر این فاجعه بود و آمارهایی که وجود دارد از مشکلات در سراسر ایران صحبت می‌کند و اینکه همه جا تلفات داشته‌ایم. البته در همه مناطق بحران و قربانیان به یک اندازه نیستند. همدان یکی از شهرهایی است که پایه اقتصاد آن کشاورزی است، هنوز هم کشاورزی در آن اهمیت دارد. در جریان قحطی تلفات گسترده‌ای در این منطقه داشتیم. نیروهای بیگانه به همدان می‌رفتند، آذوقه مردم را به زور غارت می‌کردند. در گیلان و مازندران هم که آبادانی و تنوع محصولات بیشتر بود، به دلیل خشکسالی، ناآرامی و ناامنی و هجوم بیگانگان، قحطی وجود داشت.

در سریالل «گیله‌وا» به قحطی در تهران و گیلان اشاره می‌شود و به اینکه هر دو منطقه درگیر بحران جدی بوده است، در مسیر گیلان به قزوین و قزوین به تهران جنازه‌های بسیاری را می‌دیدند. مرگمی‌که به سمت تهران می‌آمدند به امید نجات، بین راه تلف می‌شدند. ناامنی و نبود سیستم حمل‌ونقل درست باعث شد آذوقه در راه از بین برود و به دست مردم گرسنه نرسد.

■ **چقدر تلفات برای این قحطی ذکر شده؟**

آمار روشنی وجود ندارد، به این دلیل که انگلیس‌ها ما را دستکاری کردند. در آن مقطع یک هیات ایرانی به سازمان ملل می‌رود تا از حقوق مردم دفاع و نسبت به وقوع جنگ در ایران اعتراض کند اما آمارها از گزارش حذف می‌شود و پرونده به انگلیس ارجاع داده می‌شود. در آن آمار ۲۲۰ هزار نفر برای تلفات قحطی ذکر شده است. آمریکایی‌ها آماری دارند که از کشته شدن ۸ تا ۹ میلیون نفر ایرانی صحبت کرده‌اند. در جنگ دوم جهانی که دوباره ایران ناخواسته وارد جنگ می‌شود، آمریکایی‌ها به انگلیسی‌ها نامه می‌نویسند که شما در حال تکرار فاجعه جنگ اول جهانی هستید.

■ **بالاخره چطور کشور از این بحران خارج شد؟**

سال‌های بعد وضعیت آب‌وهوایی و بارش‌ها تغییر کرد و خشکسالی جبران شد و انگلیس‌ها هم نتوانست ایران را شبیه هندوستان به مستعمره تبدیل کند. دخالت‌های روس‌ها کاهش پیدا کرد، به این دلیل که درگیر اختلافات داخلی بودند. ایران توانست با همان سازوکار قبلی، مشکلات اجتماعی را کمرنگ‌تر کند، چرا که نیروهای مهاجم خارجی از کشور خارج شدند و زندگی، کمی‌و عادی پیدا کرد و امنیت بیشتر شد. در زمان قاجار، انگلستان به دنبال این بود که دولت مرکزی ضعیف باشد تا در نهایت، ایران تبدیل شود به یک مستعمره کامل. اما پس از آن، در زمان پهلوی به این نتیجه رسیدند که یک دولت دست‌نشانده بهتر می‌تواند اهداف آنها را محقق کند. شاید یکی از دلایلی که سال‌ها بعد و در جریان جنگ ایران و رژیم، این مشکلات تکرار نشد اتحاد ملی بود. چیزی که سریالل «گیله‌وا» روی آن تأکید دارد.

تجربه نشان داده هرگاه مردم همراه و همدل بوده‌اند، مشکلات بهتر حل شده است. هر زمان، نیروهای خارجی وارد این سرزمین شده یا داعیه نجات ما را داشته‌اند ایران قربانی شده است.

خوبشخانه گروه طراحی صحنه در بازسازی خانه‌ها موفق عمل کرده‌اند و طراحی صحنه و همین‌طور لباس از نکات مثبت سریال است. امید است لوکیشن‌های این پروژه برای تولید آثار بعدی حفظ شود و به سرنوشت سایر لوکیشن‌ها و دکورهای آثار تاریخی در ایران یعنی تخریب دچار نشود.

«گیله‌وا» مینی‌سریالی جذاب با داستانی با قابلیت‌های بالایی دراماتیک است اما خالی از اشکال نیست. فیلمنامه سریال با اینکه نتیجه ۳ سال تحقیق و پژوهش کارگردان جوانش است اما از پختگی لازم برخوردار نیست. در واقع عاشوری و برخی دیگر مانند محبیرضا پگاه کاملاً بدون لایحه صحبت به این است که برخی کاراکترهای محلی گویش گیلکی دارند و برخی دیگر مانند محبیرضا پگاه کاملاً بدون لایحه صحبت می‌کنند. کاراکترهای ارمنی هم که لهجه دارند موقع حرف زدن با یکدیگر به زبان فارسی صحبت می‌کنند. در حالی که به‌خاطر کوتاه بودن این بخش‌ها می‌شد از بازیگران خواست دیالوگ‌ها را به زبان ارمنی حفظ کنند و برای مخاطبان با زیرنویس پخش می‌شد تا همه چیز واقع‌گرایانه‌تر جلوه کند. با این همه می‌توان به اردلان عاشوری و گروه بالانگیزه‌اش برای ساخت سریالل «گیله‌وا» نمره قبولی داد. همین که سریال موفق به جذب مخاطب شده و قصه‌اش را بدون لکنت برای تماشاگران تعریف می‌کند جای تقدیر دارد، آن هم در شرایطی که تلویزیون پر شده است از سریال‌های آبارتمانی با قصه‌هایی شبیه به هم که به ندرت در آنها اثری از جاذبه داستانی و خلاقیت دیده می‌شود.